

349464 - دختری طالب علم است که میان طلب علم و آموزش به مردم متردد است و خواهان نصیحت است

سوال

دختری بیست ساله و طالب علمی کوچک و حافظ قرآنم. دو سال می شود از شهر ریاض به شهر کرک نقل مکان کرده ام و جهلی که در آنجا می بینم و ضعف داوری بردن به شریعت بسیار ناراحت می کند، از این رو منزوی شدم و به کسب علم شرعی مشغول شدم. بسیاری از معلمان و دوستانم در ریاض مرا به سبب این عزلت سرزنش می کنند و تشویق می کنند برای آموزش مردم از خانه بیرون بروم و با آنها نشست و برخاست کنم. آنان مدعی اند که من توانایی رساندن علم به شکل مؤثر را دارم اما من از صدرنشینی و در معرض قرار گرفتن زود هنگام و کمبود توشه علمی ام و نبود یک نصیحت گر است که به کار من نظارت داشته باشم و اگر اشتباه کردم کارم را تصحیح کند می ترسم و بیم دارم که جامعه بر روی من اثر بگذارد و پایدار نمانم و خیلی می ترسم که شیطان مرا با خود ببرد و به خداوند چیزی را نسبت دهم که از روی علم نیست و یا دچار خودپسندی و ریا شوم. لطفا مرا نصیحت کنید.

پاسخ مفصل

خواهر گرامی

مسلمان وقتی فرصت ارشاد مردم به سوی خیر و آموزش آنچه خداوند به او یاد داده را یافت این فرصت را با موانع درونی از دست نمی دهد و نمی گذارد که وسواس او را از دروازه های خیر باز دارد. او آموزش و ارشاد را یک جایگاه اجتماعی نمی بیند که از فتنه اش بترسد و آموزش را عرصه ای بسیار پیچیده نمی بیند که از موانعش بترسد، بلکه آموزش خیر به مردم را باید به عنوان یک تکلیف و مطلب شرعی ببیند که عالم نباید از آموزش جاهل بگریزد.

و این از جمله تکالیف شرعی است که مسلمان بر حسب توانش انجام می دهد و الله هیچکس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی دهد، بنابراین مسلمان به دیگری هر آنچه می داند را یاد می دهد و هرگاه چیزی را ندانست، می گوید: الله اعلم.

آنکه حافظ کتاب الله است در راه حفظ دیگران مشغول می شود و کسی که همه فقه را نخوانده اما کتاب عبادات را خوانده به آموزش همان کتاب عبادات اکتفا می کند و دیگر ابواب را درس نمی دهد و اصحاب پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نیز اینگونه بودند.

از عبدالله بن عمرو روایت است که پیامبر. صلی الله علیه وسلم. فرمودند: «از من برسائید اگرچه یک آیه باشد و از بنی اسرائیل نقل کنید و اشکالی ندارد، و آنکه بر من به عمد دروغ ببندد جایگاهش را در آتش مهیا سازد» به روایت بخاری (۳۴۶۱).

و از مالک بن حُوَیْرِث روایت است که گفت: همراه با گروهی از قوم خود به نزد پیامبر. صلی الله علیه وسلم. آمدم و بیست شب نزد او ماندم. ایشان مهربان و نرم خو بود، هنگامی که شوق ما به خانواده‌هایمان را دید فرمود: «برگردید و نزد آنان باشید و یادشان دهید و نماز بگذارید، پس چون وقت نماز شد یکی از شما برایتان اذان گوید و بزرگترینتان امام شود» به روایت بخاری (۶۲۸) و مسلم (۶۷۴).

آموزش یکی از بزرگترین ابواب خیر است و طالب علم نباید این باب را اگر امروز برایش گشوده شده به فردا موکول کند، چه بسا فردا موانعی در برابرش قرار گیرد و اجر عظیمی را که خداوند برای معلم خیر وعده داده از دست بدهد.

از ابوهریره. رضی الله عنه. روایت است که رسول الله. صلی الله علیه وسلم. فرمودند: «هرکس به هدایتی فرا بخواند برایش مانند پاداش کسانی که از او پیروی کرده‌اند خواهد بود و این از پاداش آنان چیزی نمی‌کاهد...» به روایت مسلم (۲۶۷۴).

و از ابوهریره. رضی الله عنه. همچنین روایت است که پیامبر. صلی الله علیه وسلم. فرمودند: «هرگاه انسان بمیرد عملش از او قطع می‌شود مگر از سه راه: جز از صدقه جاریه‌ای که به جا گذاشته یا علمی که از آن سود برده می‌شود و یا فرزند صالحی که برایش دعا می‌کند» به روایت مسلم (۱۶۳۱).

شیخ عبدالعزیز بن باز. رحمه الله. می‌گوید:

«طالب علم دو امر علم و دعوت و عمل و اصلاح میان مردم و نصیحت را یکجا می‌سازد و در یک حد خاص توقف نمی‌کند. اما به اندازه توانش، به شکلی که او را از واجب مشغول نسازد این کار را انجام می‌دهد، زیرا او طالب علم است و دعوتگر به سوی الله است و همچنین نصیحتگر و معلم هم است. او مصلحی است در میان مردم که آثار نیکی خواهد گذاشت. طالب علم به خصوص دانشجوی دانشکده شریعت و اصول دین یا طالب حلقه‌های علمی مشایخ، باید همتش والا باشد و به بهای رها کردن یک چیز، چیز دیگر را نگیرد بلکه در راه هر خیری بر حسب علم و قدرتش تلاش کند، بنابراین همراه با مصلحان و همراه با دعوتگران و معلمان و ناصحان و آمران به معروف و ناهیان از منکر باشد. صحابه و تابعان نیک آنان چنین بودند و به هر راهی که سود مردم در آن بود وارد می‌شدند و در هر کاری که خیر مردم در آن بود تاخیر نمی‌کردند» (مجموع الفتاوی و مقالات الشیخ عبدالعزیز بن باز: ۲۴/۲۴).

والله اعلم.